

اولین روز مدرسه بود،
 امیلی رفت سراغ صندوق دریایی بزرگش.

خُب، ببینیم اینجا چی داریم:

نقشه‌ی گنج. آهان، همین جاست!
 دوربین تک‌چشمی. این هم که هست.
 شمشیر. این هم که اینجا است.



سرشناسه: رایینسون، لیزا، ۱۹۶۷-م. -Robinson, Lisa, 1967 عنوان و نام پدیدآور: دزدان دریایی به مدرسه نمی‌روند! نویسنده
 لیزا رایینسون؛ تصویرگر ادا کین؛ مترجم سارا سلیمی. مشخصات نشر: تهران: مهرسا: مهرماه نو، ۱۴۰۰. مشخصات
 ظاهری: ۳۲ ص.: مصور (رنگی): ۲۲ × ۲۹ سم. شابک: ۳-۲۱-۷۹۲۴-۶۲۲-۹۷۸ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا یادداشت:
 عنوان اصلی: Pirates don't go to kindergarten, 2019. داستان: گروه سنی: ب. موضوع: دزدان دریایی -- داستان
 Fiction -- Pirates مدرسه‌ها -- روز اول -- داستان Fiction -- First day of school مهدکودک -- داستان Nursery
 Fiction -- Schools شناسه افزوده: کابان، ادا، تصویرگر شناسه افزوده: سلیمی، سارا، ۱۳۷۰-
 مترجم رده‌بندی دیویی: ۸۷۲۷۶۸۲/۴۰۱۰۴ شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۲۷۶۸۲

دزدان دریایی به مدرسه نمی‌روند!

ناشر ***** مهرسا
 ناشر همکار ***** مهرماه
 نویسنده ***** لیزا رایینسون
 تصویرگر ***** ادا کین
 مترجم ***** سارا سلیمی
 ناظر کیفی ترجمه ***** سیده هستی حسینی
 ویراستار ***** سمیه حیدری
 مدیر محتوا ***** ابوذر مؤمنی‌زاده
 مدیر تولید ***** فاطمه طاهر
 مدیر هنری ***** محسن فرهادی
 طراح جلد ***** حامد روشنی
 اصلاح تصاویر و صفحه‌آرایی ***** ملیحه رباط‌جزی
 شابک ***** ۳-۲۱-۷۹۲۴-۶۲۲-۹۷۸
 رده‌ی سنی ***** ۵ تا ۷ سال
 نوبت و سال چاپ ***** دوم- ۱۴۰۱
 شمارگان ***** ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت ***** ۳۹۰۰۰ تومان



مرکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان دوازدهم فروردین، کوچه مینا، پلاک ۳۴، طبقه ۱
 تلفن واحد فروش ۶۶۴۸۱۹۸۹ (۰۲۱)
 تلفن واحد تولید ۶۶۴۸۲۸۱۳ (۰۲۱)
 @mehrsapub www.mehrsa.org
 mehrsa_pub
 © کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات مهرسا است. هرگونه برداشت از مطالب این کتاب، اعم از مقاله، سیدی، جزوه آموزشی و... بدون مجوز کتبی از ناشر، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

امیلی آماده شد تا بادبان‌ها را بالا بکشد.

چی می‌شد اگر ناخدا چویی، خشن‌ترین و نترس‌ترین و بهترین ناخدای کشتی
دزدان دریایی مهدکودک همین الان می‌توانست او را در این حالت ببیند.



... صاف رفت به سمت کشتی مهدکودک!
امیلی داد کشید: «سلام، ناخدا چویی!»



خانم چویی گفت: «سلام! خوشحالم که می بینمت، امیلی جان،
اما کلاس جدید شما ته راهرو است.»

بعد از یک سفر دریایی طوفانی،
امیلی آخرسر در مدرسه لنگر انداخت.
او بادقت به نقشه‌ی گنج نگاه کرد.

«هی، مدرسه!»



ولی به جای اینکه سوار کشتی مدرسه بشود...